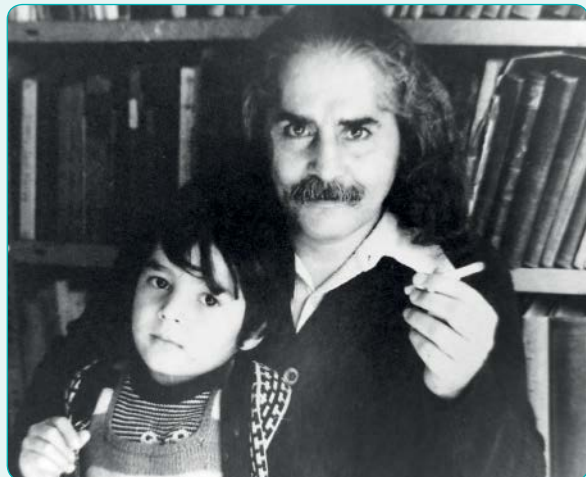


کتاب‌ها چه شد؟

در دو عکس اول کتابخانه
اخوان یا چند هزار جلد
کتاب را می‌بینیم؛ تصویر
سوم همان اتاق بدون آن
کتاب‌هاست. می‌گویید
قرار بوده اینجا کتابخانه
خانه‌موزه اخوان ثالث
باشد اما کتاب‌ها در اختیار
خانه‌موزه قرار نگرفته است



عکس‌ها، روابط عمومی خانه‌موزه مهدی اخوان ثالث و جانش هم‌زندی جام جم



۲ میلیارد تومان
برآورد اولیه هزینه‌های خانه‌موزه

۴۰۰ میلیون تومان
هزینه‌کرد



سازیمی چه شد؟

این عکس قدیمی از خانه
اخوان یا حضور تاریحی
کنار کتابخانه است؛ سازی
بسیار با ارزش که تعداد
معدودی از آن باقی مانده
است. حالا معلوم نیست
این ساز کجاست؟



دیگر وسایل کجاست؟

این عکس را دیروز چاوش
هماوندی، عکاس روزنامه
جام جم از یکی از ابزار خانه
اخوان ثبت کرده است.
اما این بخاری هیچ‌گاه تن
شاعر را گرم نکرده بود؛
مسئولان خانه براساس
عکسی قدیمی عین آن
بخاری را تهیه کرده و اینجا
گذاشته‌اند.



سعیده کتیرایی، کارشناس فرهنگی خانه‌موزه:

خانه هنوز سرپاست

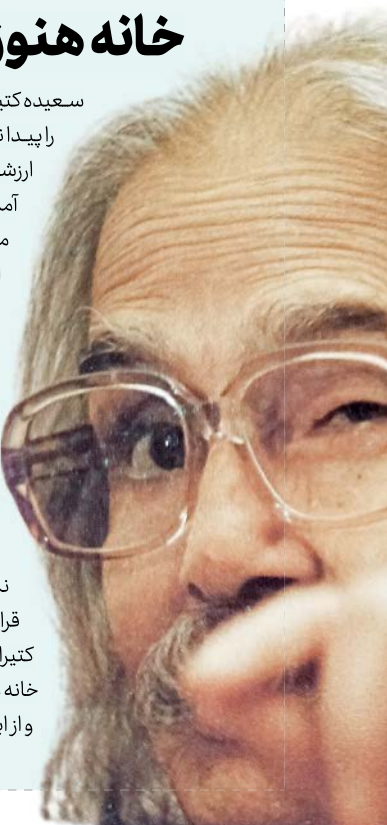


سعیده کتیرایی همان اول ماجرا می‌گوید درست است که اینجا هنوز چندان شمایل خانه‌موزه را پیدا نکرده اما حتی با همین شرایط کنونی نیز به خاطر سال‌ها حضور شاعر و مهمانانش ارزشمند است و حس و حال زمان زیست شاعر را کم و بیش دارد. می‌گوید همسایه‌ها آمده و گفته بارها دیده‌اند محمدرضا شجریان، محمدرضا شفیعی‌کدکنی، شهرام ناظری، مرتضی کاخی، محمد قهرمان، هوشنگ ابتهاج و دیگران را دیده‌اند که اینجا آمده‌اند. اینجا به نوعی یکی از پاتوق‌های فرهنگی‌های تهران دهه ۶۰ بوده است. می‌گوید خودشان هم سعی کرده‌اند بنا و داخل، حتی‌المقدور دست‌نخورده باقی بماند تا روح خانه حفظ شود. به دیواری اشاره می‌کند و می‌گوید این کاغذدیواری پشت کتابخانه هم موقع تحویل همین‌جا بوده و صرفا شبیه‌سازی شده است.

کتیرایی می‌گوید تا حالا همسر اخوان را ندیده اما شنیده ایران‌خانم همین نزدیکی‌ها زندگی می‌کند. می‌گوید دوست دارد دست او را بگیرد و با خود به خانه قدیمی‌شان بیاورد و از او بخواهد هر کمکی برای احیای اینجا می‌تواند بکند، دریغ نکنند. او هم مثل آقای سرپرست از وسایلی می‌گوید که در عکس‌های قدیمی‌تر خانه دیده می‌شوند اما به دست آنها نرسیده است. مهم‌ترین‌شان شاید تاریحی باشد؛ سازی بسیار کمیاب که قیمت ندارد. می‌گوید این ساز به ما تحویل نشده و اگر تحویل بدهند قول می‌دهیم برای صیانت از امانت هر اقدام امنیتی‌ای انجام دهیم.

نکته دیگری که خانم کارشناس مطرح می‌کند، قرار اولیه مبنی بر افتتاح خانه به عنوان کتابخانه اخوان بوده است؛ «اینجا قرار بود کتابخانه اخوان باشد. بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب در خانه بوده اما به ما تحویل نشده است».

کتیرایی همچنین درباره انتقادهای نسبت به مقاومت‌سازی و مرمت خانه معتقد است؛ اینجا نیازی به مرمت اساسی نداشت. خانه هنوز قرص و سر پا بود. اگر نیازی بود مانند خانه شهیدتندگوییان مرمت اساسی در آن انجام می‌شد. اینجا هنوز سرپاست و از این روست اقدامات جزئی در آن صورت گرفته است.



فقط اینها مانده

تعداد وسیله‌ها و ادوات و
ابزاری که مهدی اخوان ثالث
در این خانه از آنها استفاده
کرده باشد و حالا هم در
خانه‌موزه او می‌توانیم
بینیم‌شان بسیار کم
است. تنها یک دستگاه
تلفن، یک میل نشیمن،
چند صندلی، یک دستگاه
ریش تراش، یک دوربین
آنالوگ عکاسی، یک کیف
دستی و... را اینجا می‌بینیم.
مسئولان خانه منتظرند تا
هر کسی یادگاری از شاعر
زمستان دارد برای تجهیز
و موزه‌آرایی به آنها تحویل
دهد



۱۴۰۰

امروز، بیست و هشتم اردیبهشت،
برای اولین بار وب‌صورت محدود و فقط
برای یک روز قرار است درهای خانه به
روی عموم باز شود.

۱۳۹۹

از خرداد تا شهریور، شرکت توسعه
فضاهای فرهنگی به موزه‌آرایی
مشغول شده و شهریور از دو مجسمه
اخوان در این خانه رونمایی می‌شود.

۱۳۹۸

این سال به احیا و مرمت خانه می‌گذرد.

۱۳۹۷

خانه اخوان دوباره در اختیار شرکت
توسعه فضاهای فرهنگی که مسوول
احیا، مرمت و موزه‌آرایی چنین
مکان‌هایی است قرار می‌گیرد.

۱۳۹۳

خانه از ستاد گردشگری تحویل گرفته
می‌شود و تا سال ۹۷ در اختیار معاونت
امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری
می‌ماند.

۱۳۹۲

خانه به ستاد گردشگری شهرداری
تهران واگذار می‌شود اما این ستاد از
خانه اخوان به عنوان دفتر اداری خود
استفاده می‌کند!

۱۳۹۱

فضاهای
نت امور
ری تهران

مورد بعدی، بیشتر از سوی تولیدکنندگان آثار رقم می‌خورد نه خانواده‌ها. گاه دیده شده که تولیدکنندگان یک اثر به منظور تولید آن، به منابع سهل‌الوصول‌تر بسند می‌کنند و تمایلی ندارند که تمام جوانب شخصیت او را به مراجعه به همه منابع موجود برای تحقیق کند و کاو کنند. البته این ایراد گاه به خانواده‌ها نیز وارد است که با عدم همکاری درست، دست‌جست‌وجوکنندگان و علاقه‌مندان را از برخی منابع کوتاه می‌کنند.



البته موضوعی که به آن اشاره شد مثال‌های نقض و البته دلچسبی نیز دارد. از جمله بازی شهاب حسینی در نقش شهید بابایی در سریال شوق پرواز که حسینی به دلیل بازی در آن موفق به دریافت تندیس بهترین بازیگر از جشنواره فیلم مقاومت شد و این جایزه را به فرزندان شهید اهدا کرد. در پی این اقدام فرزندان شهید بابایی نیز با ارسال پیامی از شهاب حسینی تقدیر کردند.

اتفاقی که در یادبود عزیززنان افتاده – اعم از تاسیس خانه‌موزه یا ساخت مستندی درباره‌اش – غالباً نتوانسته آن‌گونه که باید و راه به تصویر بکشد و جلوه‌های شخصیت او را به نمایش بگذارد. علت دیگر خاصیتی است که می‌توان آن را انحصارطلبی در قرائت نامید. خانواده یک شهید یا یک هنرمند، از آنجا که با او زندگی کرده‌اند و حالات او را در شرایط مختلف دیده‌اند، تصویر مشخصی از او دارند که این تصویر لزوماً نباید با تصویری که جامعه از هنرمند یا شهید دارد، یکسان باشد. در نتیجه زمانی که اثری برای آن شخصیت ساخته می‌شود، می‌تواند مبتنی بر شناختی که خانواده فرد از او دارند، نباشد. این تغییر قرائت‌ها غالباً با اعتراض خانواده شخصیت شناخته شده مواجه می‌شود، در حالی که فردی که به‌ر دلیل در تاریخ یک کشور در بستر اجتماع شناخته یا شناسانده می‌شود، دیگر در انحصار پدر، مادر یا همسرش نیست که دیگران نیز تنها از دریچه بستگان درجه اول به او بنگرند.

حتی حریم شخصی‌ترین لحظات زندگی‌ام در بهشت زهرا را نگه نمی‌دارند و در تلویزیون نمایش‌اش می‌دهند. از نظرشان، نمایش «بی‌سانسور» زندگی شهید آوینی، یعنی ساختن یک کاریکاتور بی‌وجود عاشق پیشه سیگاری مثلاً روشنفکر که هزاران هزار نمونه‌اش در همه‌جا پیدا می‌شود. تصویری مشابه زنان بدکاره فیلمفارسی که قرار است با وقوع انقلاب آب‌توبه سرشان بپزند تا پاک شوند. هرچه بدکاره‌تر جذاب‌تر، توبه‌اش مقبول‌تر و فروش فیلم بیشتر.»

سکانس پایانی؛ واقعا چرا؟

نارضایتی و اعتراض خانواده‌ها به شیوه ارائه تصویری از یک شخصیت شناخته شده در جامعه می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد. اولین علت آن خلأ کیفیت در اثر ساخته شده براساس زندگی آن فرد مشهور است. خانواده‌ها احساس می‌کنند

حضور و مسؤولیت خودش در این پروژه کوچک را در همین حد زیربناسازی محدود بداند و به فکر تصدیگری مستقیم در دوره بهره‌برداری نباشد.

اپیزود چهارم؛ کدام آوینی؟

احتمالاً آخرین نمونه از اعتراض‌های خانواده یک شخصیت شناخته شده به یک اثر هنری که مربوط به آن شخصیت است، برمی‌گردد به مستند «آقامرتضی» که یک ماه پیش در سالروز شهادت سیدمرتضی آوینی از تلویزیون پخش شد. در پی پخش این مستند مریم امینی، همسر شهید آوینی، از فرستادن نامه برای معاون سیما و گفت‌وگوی تلفنی با مدیر شبکه سه برای ابراز مخالفت با پخش این مستند خبر داد. امینی گفته بود: «در جای‌جای فیلم‌شان از تصویر و کلام بنده و دیگر اعضای خانواده که به برنامه‌ها و فیلم‌های دیگری تعلق دارد، استفاده کرده‌اند.



به صورت انحصاری به دست نهادهای دولتی و شبه‌دولتی مثل شهرداری افتاده و نقش مردم در تاسیس و راه‌اندازی آن نادیده گرفته شده است.» دانایی پیشنهاد داده بود که شهرداری تهران